

طراحی الگوی مفهومی اسلام برای عدالت در نظام جبران خدمات، مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه

محمد حکاک¹

حسن صالحی²

یونس فرقانی³

چکیده

هدف: نیروی انسانی از مهم‌ترین ارکان سازمان در پیشبرد اهدافش است؛ لذا در ازای خدمتی که به سازمان ارائه می‌دهد، سازمان وظیفه دارد خدمت او را به نحوی شایسته جبران کند. هدف از نگارش پژوهش حاضر، استخراج الگوی عدالت در جبران خدمات در ادبیات مدیریت اسلامی بود. **روش:** روش تحقیق، تحلیل مضمون بود. با کمک نرم‌افزار Maxqda، از بین 473 عبارت، 196 کد بدون تکرار انتخاب شد که منجر به تولید 17 مضمون پایه و در نهایت، در سه مضمون سازمان‌دهنده جمع‌بندی شد. **یافته‌ها:** با تأکید بر مفهوم فراگیر و گسترده جبران خدمات (اعم از مؤلفه‌های مادی و معنوی)، مؤلفه‌های جبران خدمت عادلانه از متن نامه‌ها و خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه استخراج شد و الگوی شبکه مفهومی آن شکل گرفت. **نتیجه‌گیری:** نگاه امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه به جبران خدمت، در پرداخت خلاصه نمی‌شود. برای ایجاد نظام جبران خدمات عادلانه، باید همه ابعاد جبران خدمت اعم از رفتارها و تعاملات و همچنین رویه‌های سازمانی نیز عادلانه باشند تا عدالت در جبران خدمت برای زیردستان به طور کامل محقق شود.

واژگان کلیدی: جبران خدمت، عدالت، نهج البلاغه، تحلیل مضمون.

♦ دریافت مقاله: 96/07/20 ؛ تصویب نهایی: 97/06/13

1. دکتری مدیریت استراتژیک، دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول) / نشانی: خرم آباد، کیلومتر 5 جاده خرم آباد - تهران، دانشگاه لرستان / نمابر: 06633120112 / Email: Hakkak.m@lu.ac.ir
2. دانشجوی دکتری مدیریت رفتار سازمانی، دانشگاه لرستان.
3. دانشجوی دکتری مدیریت خط مشی گذاری عمومی، دانشگاه تهران - پردیس فارابی.

الف) مقدمه

کارکنان، مهم‌ترین عامل برای ایجاد تغییر، تولید، خلاقیت، یادگیری و موفقیت و بهره‌وری در سازمان‌اند. از این رو، توجه به نیازهای اساسی انسان، نگه داشتن حرمت و احترام به مقام انسانی او و برنامه‌ریزی برای توسعه و تکامل وی در ابعاد خصوصی، اجتماعی، شغلی و حرفه‌ای از وظایف مهم سازمان در قبال نیروی انسانی‌اش است. در مقابل خدمتی که نیروی انسانی به سازمان ارائه می‌دهد، مدیریت و سازمان وظیفه دارند به نحو شایسته این خدمت را جبران کنند. برای تحقق این هدف، از مهم‌ترین مقولات جبران خدمت، موضوع عدالت در جبران خدمات است که ابعاد گسترده و عمیقی را در بر می‌گیرد؛ زیرا جبران خدمات، موضوع مهمی برای اغلب کارکنان و کارفرمایان است و پیامدهای مهم سازمانی به دنبال دارد و ادراک بی‌عدالتی درباره آن، آثار مخربی بر روحیه کار جمعی دارد، اهتمام نیروی انسانی و انگیزش کارکنان را تضعیف کرده، روحیه تلاش و فعالیت آنان را تنزیل می‌دهد. (سیدجوادی و همکاران، 1387: 56)

در حوزه عدالت سازمانی حدوداً از دهه 90 میلادی تا کنون، مطالعه و تحقیق آغاز شد و سه نوع عدالت توزیعی، رویه‌ای و مرادده‌ای، شناخت و بررسی شد. موضوع عدالت در جبران خدمات نیز تا کنون در قالب عدالت توزیعی بحث و بررسی شده است. اما جبران خدمات به عنوان یک بسته جامع که اعم از مؤلفه‌های نقدی و غیر نقدی و رفتاری و معنوی و... است، تا کنون به محک عدالت گذاشته نشده است.

از طرفی، دستیابی به مدل‌های بومی اسلامی- ایرانی سازگار با ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی و ساختاری ما، امری ضروری است؛ زیرا زیرساخت‌های فرهنگی هر جامعه‌ای، در شکل‌گیری الگوی توسعه آن جامعه نقش دارند و بدون در نظر گرفتن آنها، عملاً کاربرد نظریه‌های مدیریت در کشور، ممکن نیست (نقی‌پورفر و همکاران، 1389: 40). بر این اساس، سخنان حضرت علی(ع) به عنوان حاکم بی‌بدیل الهی در جایگاه مدیریتی و حاکمیتی، غنیمتی گرانسنگ در شناسایی الگوهای مدیریت در اسلام و به طور خاص شاخصهای عدالت در جبران خدمت است. با این توضیح، مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی و تبیین الگوی تحقق عدالت در جبران خدمات از منظر نهج‌البلاغه است. در واقع؛ مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که عدالت سازمانی در حوزه جبران خدمات چگونه و با چه مؤلفه‌هایی شناخته می‌شود و منظور این نیست که همه مفهوم عدالت در جبران خدمات خلاصه شده است، بلکه عدالت در جبران خدمات نیز ذیل مفهوم کلی عدالت تعریف می‌شود. از این رو، پس از مرور ادبیات تحقیق در حوزه جبران خدمت و عدالت سازمانی، مؤلفه‌ها و مضامین عدالت در جبران خدمت از نگاه امیرالمؤمنین(ع) در نامه‌ها و خطبه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه تبیین خواهد شد.

ب) ادبیات پژوهش**1. جبران خدمات**

جبران خدمات مفهومی پرکاربرد و مهم برای مدیران و کارکنان است که معنای آن بدیهی فرض می‌شود؛ اما لازم است تعریف مشخص و دقیقی ارائه شود تا موضوع بررسی این پژوهش از دایره ابهام خارج شود.

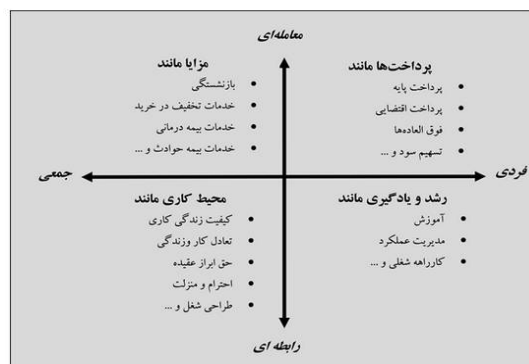
طراحی الگوی مفهومی اسلام برای عدالت در نظام جبران خدمات ♦ 343

جبران خدمات، از ارکان نظام جامع مدیریت منابع انسانی و مفهوم گسترده‌ای است که فرایند طراحی نظامهای حقوق و دستمزد، نظامهای پاداش، طبقه‌بندی و ارزشیابی مشاغل و همچنین تنظیم جداول حقوق و دستمزد را پوشش می‌دهد. (سیدجوادی، 1387: 3)

جبران خدمات، طرح‌ریزی و اجرای راهبردها و سیاستگذاری پایدار با هدف پرداخت به افراد به شکل منصفانه و عادلانه طبق ارزش آنان برای سازمان است. جبران خدمات شامل طراحی، اجرا و محافظت از فرایند و عملیات پرداخت می‌شود و به دنبال بهبود عملکرد فردی و تیمی است. (آرمسترانگ و هلن، 2007: 3)

درباره مفهوم جبران خدمات دو گونه تعریف قابل ارائه است. یک تعریف علمی است که در آن جبران خدمات عبارت از همه بازده‌های مالی و خدمات ملموس و مزایایی است که کارکنان به عنوان بخشی از رابطه استخدامی‌شان دریافت می‌کنند (بیلکوویچ و نیومن، 2008: 35)؛ اما در عرف عام، جبران خدمات عبارت است از حقوق، پرداخت فوق‌العاده، گزینه‌های سهام و سایر مزایایی که سازمان در ازای عملکرد و کیفیت تلاش کارکنان به آنان پرداخت می‌کند. (مانی، 2009: 5)

آرمسترانگ مفهومی پیشرفته‌تر را به عنوان جبران خدمات کل³ مطرح کرده و انواع و اجزای جبران خدمات را تحت این عنوان توضیح داده است. آنچه بین همه مدلها از جبران خدمات کل مشترک است، این است که جبران خدمات کل به مجموع پرداختهای مالی و غیر مالی اطلاق می‌شود. در واقع؛ تعاریف جبران خدمات کل، نوعاً نه تنها عناصر سنتی و قابل اندازه‌گیری را شامل می‌شود، بلکه عناصر غیر نقدی و نامحسوس را هم در بر می‌گیرد؛ عناصر نوع اول، مثل حقوق و مزایا و پرداختهای متغیر و عناصر نوع دوم، مثل فرصتهای یادگیری، کیفیت زندگی کاری و سوابق کاری را شامل می‌شود.



مدل جبران خدمات کل
نمودار 1: مدل جبران خدمات کل (آرمسترانگ، 2010: 42)

1. Armstrong & Helen
2. Manne
3. Total Reward

بر اساس مدل ارائه شده، دو مربع بالا، جبران خدمات معامله‌ای را شامل می‌شود که ماهیتی مالی دارند و دو مربع پایین، نشان‌دهنده جبران خدمات رابطه‌ای اند که جنبه غیر مالی دارند. هر سازمان، ترکیبی از این خدمات را در بسته جبران خدمات خود ارائه می‌دهد. (آرمسترانگ، 2010: 43)

با این نگاه، جبران خدمات مفهوم گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و به تبع آن، عدالت در جبران خدمات نیز در تمام این حوزه‌ها معنا پیدا می‌کند؛ به عبارتی؛ هم عدالت در جبران خدمات معامله‌ای و هم عدالت در جبران خدمات رابطه‌ای در بعد فردی یا اجتماعی یا هر دو. موضوع عدالت در ادبیات متعارف نیز از شاخصها و محورهای ارزیابی جبران خدمات مطلوب است؛ شاخصهایی همچون:

یک) عدالت توزیعی:¹ عدالت توزیعی به نحوه جبران خدمات افراد اشاره می‌کند. افراد در صورتی احساس رفتار عادلانه خواهند کرد که باور کنند طبق ارزش همکاری‌شان به آنان پاداش داده شده است و پاداشی را که به آنان وعده داده شده، دریافت می‌کنند و آنچه نیاز دارند به دست خواهند آورد (آرمسترانگ، 2010: 11)؛ یعنی عدالت توزیعی، برداشت فرد شاغل از میزان عدالت رعایت شده در میزان و تقسیم پاداش میان افراد است. (رابینز و تیموتی، 1389: 153)

دو) عدالت رویه‌ای:² عبارت است از تصویری که از روشها و فرایندهایی که تصمیم‌گیرندگان برای تعیین چگونگی توزیع امکانات و پرداختها استفاده می‌کنند. همچنین به نحوه اتخاذ تصمیم‌های مدیریتی و به کارگیری خط مشی‌های جبران خدمات اطلاق می‌شود. (آرمسترانگ، 2010: 12)

سه) برابری:³ کارکنان سازمانها، نهاده‌ها (تلاش، تجربه، تحصیلات و قابلیت) و نتایج شغل (سطح حقوق، افزایش حقوق و میزان قدرشناسی) خود را با دیگران مقایسه می‌کنند (رابینز، 2002: 51)؛ لذا عدالت وقتی حاصل می‌شود که افراد نسبت به سایر کارکنان در سازمان، پاداش مناسبی دریافت کنند. در فرایندهای عادلانه جبران خدمات، نسبت‌های بین مشاغل تا حد امکان بی‌طرفانه ارزیابی می‌شوند و در آن، پرداخت برابر در ازای کاری با ارزش برابر در نظر گرفته می‌شود. (آرمسترانگ و هلن، 2007: 37)

چهار) وحدت رویه:⁴ در مدیریت جبران خدمات، رویکرد ثابت بدین معناست که تصمیم‌های مربوط به پرداخت، بدون دلیل موجه، بین افراد متفاوت و در زمانهای مختلف تغییر نمی‌کنند؛ یعنی این تصمیم‌ها به طور غیر منطقی از تصمیم عادلانه و منصفانه دور نیستند. (آرمسترانگ، 2010: 13)

پنج) شفافیت:⁵ شفافیت وقتی ایجاد می‌شود که افراد از چگونگی عملکرد فرایندهای جبران خدمات و نحوه تأثیر آنها بر خود آگاه باشند. شفافیت وقتی ایجاد می‌شود که به وضوح ارتباط بین آورده کارکنان و عایدی آنان

1. Distributive Justice
2. Procedural Justice
3. Equity
4. Consistency
5. Transparency

345 طراحی الگوی مفهومی اسلام برای عدالت در نظام جبران خدمات ...

مشخص باشد (نظیر، شاه و زمان، 2014: 212). دلایل مربوط به تصمیم‌های پرداخت در زمان اتخاذ، ارائه شوند و کارکنان درباره توسعه خط مشی‌ها و روشهای جبران خدمات، حق اظهار نظر داشته باشند. (آرمسترانگ و هلن، 2007: 38)

شش) تناسب با هدف: فرمول راهبرد جبران خدمات و طراحی سیستم جبران خدمات باید بر اساس درک اهداف مدیریت جبران خدمات بوده، برای دستیابی به آن هدف شکل گیرد. (آرمسترانگ، 1990: 17-19)

هفت) حد کفایت پرداختها: سیستم جبران خدمات کارکنان باید به اندازه کافی توان جذب مهارتها و ارتباط نوع مهارت با نیاز سازمان را داشته باشد؛ زندگی کارکنان را تأمین و و رغبت به ادامه خدمت و تلاش بیشتر را در سازمان ترویج کند. این میزان طبق قوانین کشور ما باید تأمین‌کننده یک خانواده پنج نفره باشد. (سیدجوادی، 1387: 51)

2. عدالت سازمانی

امروزه می‌توان سازمانها را آیینة تمام‌عیار جامعه دانست و به همین دلیل، شکل‌گیری عدالت در آنان به منزله تحقق عدالت در سطح جامعه است (پارکر و کولمیر¹، 2005: 326). مفهوم عدالت سازمانی، ابتدا در بین فیلسوفان بحث شد و بعد از آن وارد ادبیات روان‌شناسی اجتماعی شد (چان، 2000: 70). در تعریف کلی؛ عدالت، صفت رفتار یا حالتی است که آن را شایسته و بایسته و سزاوار وقوع قلمداد می‌کنند؛ البته در حوزه مناسبات انسانی و از این نظر که با بعضی از شئون افراد انسانی ارتباط دارد. (توسلی، 1386: 97)

عدالت سازمانی عبارت است از شرایط به‌کارگیری افراد در سازمان؛ که در آن، افراد معتقدند که با ایشان منصفانه یا نامنصفانه رفتار شده است (فولگر و کروپانزانو، 1998: 7). با این وصف در ادبیات عدالت در سازمان شاهد سه عمده عدالت توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای هستیم. (بروک⁴ و همکاران، 1382: 116)

لمبرت⁵ (2003: 157) عدالت توزیعی را انصاف ادراک‌شده پیامدها یا تخصیص‌هایی می‌داند که فرد دریافت می‌کند. بر اساس پژوهشهای آدامز⁶ عدالت توزیعی، انصاف ادراک‌شده از نتایجی است که شخص از مبادله اجتماعی یا تعامل دریافت می‌کند (نواکوفسکی⁷ و همکاران، 2005: 5). این بعد از عدالت سازمانی بیش از سایر ابعاد در ارتباط با بعد مبادله‌ای از مدل جبران خدمات کل آرمسترانگ است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقات در حوزه عدالت سازمانی تا قبل از سال 1975، بر توزیع عادلانه پرداختها یا پاداشهای مرتبط با کار متمرکز بوده است (رضانیان و میرزاده، 1389: 96). در واقع؛ گسترش یافته مفهوم عدالت توزیعی در نظریه برابری نمود پیدا می‌کند که بر مقایسه بین نسبت داده‌ها با ستاده‌ها بین کارکنان مختلف تمرکز دارد. (آدامز، 1965)

1. Parker & Kohlmeyer
2. Chan
3. Folger & Cropanzano
4. Brokner
5. Lambert
6. Adams
7. Nowakowski

عدالت رویه‌ای به عادلانه بودن روشهای تعیین پیامدهای شغلی مربوط می‌شود. در واقع؛ مفهوم گسترده‌ای است که به عادلانه بودن روشهای تصمیم‌گیری درباره نحوه توزیع امکانات اشاره دارد (آری،¹ 2004: 4). عدالت مراددهای نیز بر رفتار سرپرستان و نقش آنان در رعایت عدالت سازمانی تأکید دارد و به طور مفهومی، مشابه با کیفیت غیر رسمی رفتار است؛ در حالی که عدالت رویه‌ای، به طور مفهومی مشابه با تصمیم‌گیری رسمی است (سیدجوادی و همکاران، 1387: 3). دو بخش عدالت مراددهای عبارتند از: عدالت بین فردی و عدالت اطلاعاتی (کروپاتزانو و همکاران، 2007: 38). عدالت بین فردی به برخورد عادلانه‌ای اشاره دارد که در مورد فرد شاغل در قالب روشهای رسمی مصوب اعمال می‌شود و عدالت اطلاعاتی به برداشت و ادراک کارکنان از منصفانه بودن توزیع اطلاعات در سازمان اشاره دارد (علامه و بوستانی، 1393: 190). در واقع؛ این نوع عدالت مرتبط با جنبه‌های فرایند ارتباطات (مانند ادب، صداقت و احترام) بین فرستنده و گیرنده عدالت است. (فورت و شولاو،² 2008: 321)

هنمن³ و همکاران (2002) برای چگونگی ارتباط ابعاد عدالت سازمانی با جبران خدمات، پیشنهاد دادند ابعاد جبران خدمات با در نظر گرفتن اینکه مربوط به رویه‌ها یا ستاده‌ها، تقسیم‌بندی شوند. از طرفی نیز آرمسترانگ جبران خدمات کل را شامل مؤلفه‌های رابطه‌ای (ناملموس) و معامله‌ای (ملموس) تقسیم‌بندی کرده است. با ترکیب این دو دیدگاه می‌توان به الگویی از عدالت در جبران خدمات دست یافت.

3. عدالت در نگاه امیر المؤمنین (ع)

عدالت در اندیشه و سیره امام علی (ع)، تدبیرکننده‌ای است عمومی که همه را زیر چتر خویش به صلاح و سامان می‌رساند (نهج البلاغه، حکمت 70) و مواضع، برنامه‌ها، سیاستها و اقدامات حکومتی و مدیریتی زمانی مردمان و اداره‌شوندگان را به جایگاه مطلوب می‌رساند که فراگیرترین عدالت در آنان لحاظ شود و پاس داشته شود (باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که در جهت عدالت همگانی تر باشد). (همان، خطبه 222)

با تأمل در مفهوم عدالت از نگاه امیر مؤمنان در نهج البلاغه، به پنج معنا دست می‌یابیم:

- اول) قرار دادن و قرار یافتن هر چیز در جای خودش؛
- دوم) انصاف و داد؛ یعنی هر کس حقوق دیگران را رعایت کند و آن را همچون حقوق خود بداند و برای دیگران نیز بخواهد.
- سوم) مساوات؛ عدالت در جایی که منظور از حقوق عمومی و یکسان بودن همه در برابر قانون و نیز بهره‌مندی یکسان از فرصتهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، به این معناست.
- چهارم) رعایت حقوق و رساندن هر ذی‌حقی به حقش؛ رعایت حقوق و بجا آوردن آن و اینکه حق هر ذی‌حقی به تناسب میزان آن، هر چه باشد، ادا شود.

1. Aryee

2. Forret & Sue Love

3. Heneman

طراحی الگوی مفهومی اسلام برای عدالت در نظام جبران خدمات ♦ 347

پنجم) اعتدال و میانه‌روی؛ به معنای رعایت اعتدال در روابط و مناسبات شخصی، اجتماعی، مدیریتی، سیاسی و اقتصادی. (دلشاد تهرانی، 1389: 72)

عدالت در نظر امیرالمؤمنین، از جایگاهی خاص برخوردار است؛ امام(ع) برترین روشنی چشم مدیران و رهبران را گسترش عدالت می‌دانند: «همانا، برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است» (نهج‌البلاغه، نامه 53). لذا مفهوم عدالت در نهج‌البلاغه و در متون مربوط به اداره حکومت نسبت به خود ایشان و همه والیان تحت امرشان به وضوح دیده می‌شود. در نهج‌البلاغه بر خلاف متون غربی، به عدالت به عنوان عاملی برای رشد معنوی انسانها و تکامل آنان نگاه می‌شود (قلیچ، 1389: 152). بخشی‌نگری در عدالت و توجه به برخی وجوه آن و غفلت از برخی وجوه دیگر، عدالت را به ضد آن مبدل می‌سازد. (دلشاد تهرانی، 1392: 241)

با این توضیح، رویکرد پژوهش حاضر در مواجهه با نهج‌البلاغه در کشف مضامین مربوط به عدالت در جبران خدمات این گونه بیان می‌شود که منظور از عدالت در جبران خدمات، صرفاً عدالت در پرداخت یا عدالت توزیعی نیست، بلکه با نگاه به ابعاد مختلف معامله‌ای و رابطه‌ای در جبران خدمات کل و نیز نگاه به عدالت در ستاده‌ها و رویه‌ها، مضامین از نهج‌البلاغه استخراج خواهند شد.

ج) پیشینه تحقیق

در برخی از پژوهش‌های اسلامی در حوزه جبران خدمات، به ذکر مؤلفه‌ها و سیاستهای لازم پرداخته شده است. قوامی و قریب (1392) مؤلفه‌های تأمین معیشت کارمند، پرداخت بر مبنای عملکرد، پرداخت بر اساس اصل مهرورزی، در نظر گرفتن اصل سپاسگزاری از خدمت و توجه به جنبه‌های بهداشتی و سلامت روحی و جسمی را برای جبران خدمت از آیات و روایات استخراج کرده‌اند.

برخی تحقیقات دیگر به بیان رویکردهای کلی‌تر پرداخته و به احصای مؤلفه‌ها ورود نکرده‌اند. سیدعلیپور (1383) معتقد است در مدیریت اسلامی تصویری که از پاداش ساخته می‌شود، هم باید متضمن پاداشهای مادی و هم متضمن پاداشهای غیرمادی باشد. در مدیریت اسلامی، نادیده گرفتن سوابق سوء به عنوان پاداش برای افراد انگیزشی است و می‌تواند آنان را به سمت رفتار مطلوب مدیریت و سازمان هدایت کند. در خصوص قدرت پاداش، علاوه بر تنوع پاداشها و مراتب متعدد، درجات مختلفی از پاداش باید وجود داشته باشد.

تنها پژوهشی که به طور مستقیم به ذکر عدالت در حقوق و دستمزد پرداخته، تحقیق شعبانی و نجفی (1392) است که از منظر اقتصادی و از مجرای عدالت به بحث حقوق و دستمزد اسلامی پرداخته‌اند. ایشان ابتدا چهار سطح عدالت را ذکر کرده، در ادامه با در نظر گرفتن هر کدام از سطوح عدالت در پرداخت را توضیح جداگانه‌ای داده‌اند که نتیجه بحث در ادامه آمده است:

- اگر مفهوم عدالت را خرد و ایستا در نظر بگیریم، باید به هر کس به میزان بهره‌وری پرداخت کرد.

- اگر مفهوم عدالت را خرد و پویا در نظر بگیریم، باید دستمزد عادلانه با نوسانات اقتصادی همگام باشد و این یعنی پویایی عدالت در دستمزد. این حقیقت که با تغییر قیمت یا افزایش یا کاهش تقاضا، نسبتی از این تغییرات نیز باید به کارگران برسد، یکی از ارکان الگوهای دستمزد در سطح کلان است. در واقع؛ برای حفظ عدالت در سطح کلان به معنی مناسب بودن دستمزد و بهره‌وری، باید از این قاعده پیروی شود و این یعنی باید سهم دستمزد در سطح کلان ثابت باشد. بدین منظور، این نتیجه مطرح می‌شود که باید سهم دستمزد در یک سیستم دستمزدی ثابت باشد؛ لذا با این توصیف ما به سمت الگوهای تسهیم سود رهنمون می‌شویم.
- بر اساس تطبیق با رویکرد عادلانه در سطح اجتماعی باید آنقدر به افراد داد تا دیگر به دنبال فساد یا موارد مشابه در جامعه نباشند و این یعنی عنصر حداقل دستمزد حتماً باید در دستمزد وجود داشته باشد. (شعبانی و نجفی، 1392: 16-17)

(د) روش تحقیق

این پژوهش بر حسب نوع داده‌های استفاده شده، کیفی؛ بر حسب نتیجه، کاربردی و بر حسب هدف، پژوهشی-اکتشافی است. در این تحقیق با توجه به ضرورت استنباط از مهم‌ترین منبع روایی در زمینه مدیریت (نهج‌البلاغه)، ابتدا روش اسنادی و مطالعه نظری به کار گرفته شد و در ادامه از بین راهبردهای متنوع پژوهش کیفی، از راهبرد «تحلیل مضمون» بهره برده شده است. تحلیل مضمون از راهبردهای پژوهش کیفی به شمار می‌رود (دانی‌فرد و همکاران، 1388: 147)؛ اما فقط یک روش کیفی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روشهای کیفی به کار رود. همچنین این روش امکان تبدیل اطلاعات کیفی به کمی را فراهم می‌کند. (بویاتزیس،¹ 1998: 4)

بر اساس تحقیقات انجام شده با محوریت نهج‌البلاغه، عوامل مفهومی در حوزه نهج‌البلاغه در زمینه‌ها و سطوح تحلیل متفاوت، تنوع زیادی دارند؛ از این رو، انتخاب رویکرد کمی به این پژوهش ممکن است منجر به کم شدن عوامل جستجو یا حتی فقدان آنها شود؛ زیرا ساخت چارچوبهای نظری در رویکرد کمی که لازمه مطرح شدن فرضیه‌هاست، مانع انعطاف لازم در برخورد با وضعیت جدید شده، پژوهش را در قالب خاصی قرار می‌دهد. (براون و کلاری،² 2006: 76)

از آنجا که این مقاله بر مطالعه نهج‌البلاغه استوار است، ملاحظات اختصاصی در این باره ضروری می‌نماید. بدین منظور، ترجمه استاد دشتی برای کار انتخاب شد که یکی از روان‌ترین، معروف‌ترین و پرکاربردترین ترجمه‌هاست. از دیدگاه ایشان، مراحل تحقیق و برداشت از نهج‌البلاغه عبارتند از: کسب تخصص و آگاهی در رشته مد نظر، کشف و استخراج مباحث موضوعی متناسب با تخصص خویش از نهج‌البلاغه، کتاب‌شناسی و کشف و خلق انواع عناوین و فهرستها. (دشتی، 1379: 69)

1. Boyatzis

2. Braun & Clarke

طراحی الگوی مفهومی اسلام برای عدالت در نظام جبران خدمات ♦ 349

روش جستجو بر مبنای کلیدواژه، یکی از راههای جمع‌آوری اطلاعات از نهج‌البلاغه است. در این روش، موضوع خاصی در نظر گرفته شده و به نهج‌البلاغه عرضه می‌شود. کلیه مطالب مستقیم یا غیر مستقیم که موضوع مد نظر را توضیح می‌دهند، بررسی و دسته‌بندی شده و در نهایت، جمع‌بندی مطالب ارائه می‌شود. (دلداد تهرانی، 1379: 24)

این توضیح، راه را برای مطالعه نهج‌البلاغه با راهبرد تحلیل مضمون هموار می‌سازد. دو کلیدواژه «حق» و «جرت» و مشتقات آنها جستجو شدند. علاوه بر این، نامه‌ها و خطبه‌هایی که حضرت علی(ع) خطاب به والیان و فرماندهان سپاه ایراد کرده‌اند نیز بررسی و تحلیل مضمون شدند.

در مرحله نخست پس از بررسی ادبیات موضوع و مطالعه دقیق کتاب شریف نهج‌البلاغه، مؤلفه‌های مد نظر در حوزه عدالت در جبران خدمات، کدها و مضامین پایه و ساختاریافته، در تحلیل مضمون به دقت استخراج شدند تا الگوی تحقیق ایجاد شود.

1. روایی یا اعتمادپذیری یافته‌های تحقیق

اکثر روش‌شناسان کیفی به جای استفاده از واژگان روایی و پایایی که اساساً و از لحاظ مبانی فلسفی ریشه در پارادایم کمی دارند، از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» برای ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند (توینینگ، 2000: 10). از همین دسته، لینکلن² و گویا³ برای قابل اعتماد بودن پژوهشهای کیفی، معیارهایی چون: امکان اعتبار، اتکاپذیری یا توانایی اتکا، انتقال‌پذیری یا توان انتقال، تصدیق یا امکان تأیید را ارائه کرده‌اند (سینکویچ⁴ و همکاران، 2008: 693) که از طریق راهبردهای متعددی نظیر ردیابی حسابرسی‌گونه، بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها یا منابع اسنادی، تأیید همکاران پژوهشی، تحلیل مورد کیفی، تأیید ساختاری و کفایت منابع ارجاع‌شده استفاده می‌شود (دانایی‌فرد و مظفری، 1387: 16). در تحقیق حاضر، سنجش‌های مذکور به طرق مختلف تدارک شده که از مهم‌ترین آنها، راهبرد «کدگذاران مستقل» است. این راهبرد، فرایندی رایج برای ارزیابی و کنترل کیفیت تحلیل مضمون است. در رویکرد پوزیتیویستی به پژوهشهای کیفی، این امر مشابه محاسبه آماری قابلیت اطمینان درونی است که در تحلیل محتوای کمی یا مشاهده ساختاریافته صورت می‌گیرد (کینگ و هاروکس، 2010: 160). هدف کدگذاری مستقل، کمک به پژوهشگر است تا به طور انتقادی درباره ساختار مضامین پیشنهادی خود و تصمیماتی که درباره کدها گرفته، فکر کند. برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد در بین کدگذاران مستقل نیز روشهای مختلفی وجود دارد که در این پژوهش از روش توافق درصدی استفاده شد؛ به این صورت که از چهار نفر از خبرگانی که به طور مستقل کدگذاری را انجام داده‌اند، کدهایی پذیرفته شد و به جمع‌بندی رسید که بیش از نصف یا 50 درصد از کدگذاران بر آن صحه گذاشته بودند.

1. Twining

2. Lincoln

3. Guba

4. Sinkovics

5. King & Horrocks

2. پرسشهای تحقیق

- از نگاه امیرالمؤمنین در نهج البلاغه ابعاد عدالت در جبران خدمات کدامند؟
- از نگاه امیرالمؤمنین در نهج البلاغه مؤلفه‌های جبران خدمات عادلانه کدامند؟

3. اجرای روش تحلیل مضمون درباره مؤلفه‌های عدالت در جبران خدمات

با بررسی و مطالعه دقیق خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمتها، در مرحله اول 437 کد در قالب 196 کد بدون تکرار استخراج شد. گفتنی است که در نهج البلاغه، نامه امام به مالک اشتر، مهم‌ترین سند در موضوع پژوهش است؛ لذا در استخراج مفاهیم و مضامین آن اهتمام ویژه شده است. در مرحله بعد با ترکیب و مقایسه مستمر کدها، 17 مضمون پایه شکل گرفت و پس از بررسی و سنخ‌سنجی مؤلفه‌ها و با توجه به حوزه عدالت سازمانی، سه مضمون سازمان‌دهنده عدالت رویه‌ای، توزیعی و مرادده‌ای در جبران خدمت طراحی شد. در نهایت، مضامین شکل گرفته در قالب شبکه مضامین با یکدیگر مرتبط شدند و بدین ترتیب، الگوی مفهومی عدالت در جبران خدمات از منظر امیرالمؤمنین (ع) ظهور پیدا کرد. سیر شکل‌گیری این الگو، جداول نمونه کدگذاری‌ها و شکل‌گیری مضامین پایه و سازمان‌دهنده در ذیل ارائه شده است.

جدول 1: بخشی از کدهای باز استخراج شده از نهج البلاغه مرتبط با موضوع عدالت در جبران خدمات

ردیف	عبارت نهج البلاغه	مأخذ	کد
1	در نگاهها و نیم‌نگاهها و خیره شدن به مردم، به مساوات رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوانها در عدالت تو مأیوس نشوند.	نامه 27	مساوات در توجه
2	هر گز نیکو کار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌ربخت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌شوند.	نامه 53	تفاوت بر مبنای عملکرد
4	[عبارت جایگزین شده]: هر گاه به دشمن رسیدید، لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها یا دامنه کوهها یا بین رودخانه‌ها قرار دهید... جنگ را از یک سو یا دو سو آغاز کنید... از پراکندگی بپرهیزید.	نامه 11	آموزش
5	حاکم نباید به زیردستانش به سبب اینکه بر آنان حکومت دارد، بی‌اعتنایی کند.	نامه 22	توجه
6	آرزوهای سپاهیان را برآور و همواره از آنان ستایش کن.	نامه 53	به موفقیت رساندن
7	هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش بده.	نامه 53	پاداش بر اساس عملکرد
8	کارگزاران دولتی را از میان مردم با تجربه و با حیا، از خاندانهای پاکیزه و با تقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن.	نامه 53	پیشرفت شغلی بر مبنای صلاحیت
9	روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق در اصلاح خود بیشتر بکوشند.	نامه 53	پرداخت اضافه برای اصلاح امور زندگی
10	از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذار؛ به اندازه‌ای که خانواده‌هایشان در پشت جبهه و خودشان در آسایش کامل باشند.	نامه 53	رفاه خانواده، آرامش روحی
11	شرافت و بزرگی کسی موجب نشود که کار کوچکش را بزرگ بشمارد، یا گمنامی کسی باعث نشود که کار بزرگ او را ناچیز بداند.	نامه 53	جبران خدمت بر اساس کار
12	دوست‌داشتنی‌ترین چیزها نزد تو در حق، میانه‌ترین و در عدل، فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم، گسترده‌ترین باشد.	نامه 53	به رسمیت شناخته شدن نظرات مختلف
13	هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف در مالیات و عدم اجبار کاری که دوست ندارند نیست.	نامه 53	محتوای شغل مورد توافق
14	همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند برشمار.	نامه 53	بازخورد. مهم بودن

جدول 2: بخشی از جداول استخراج مفاهیم از کدهای باز

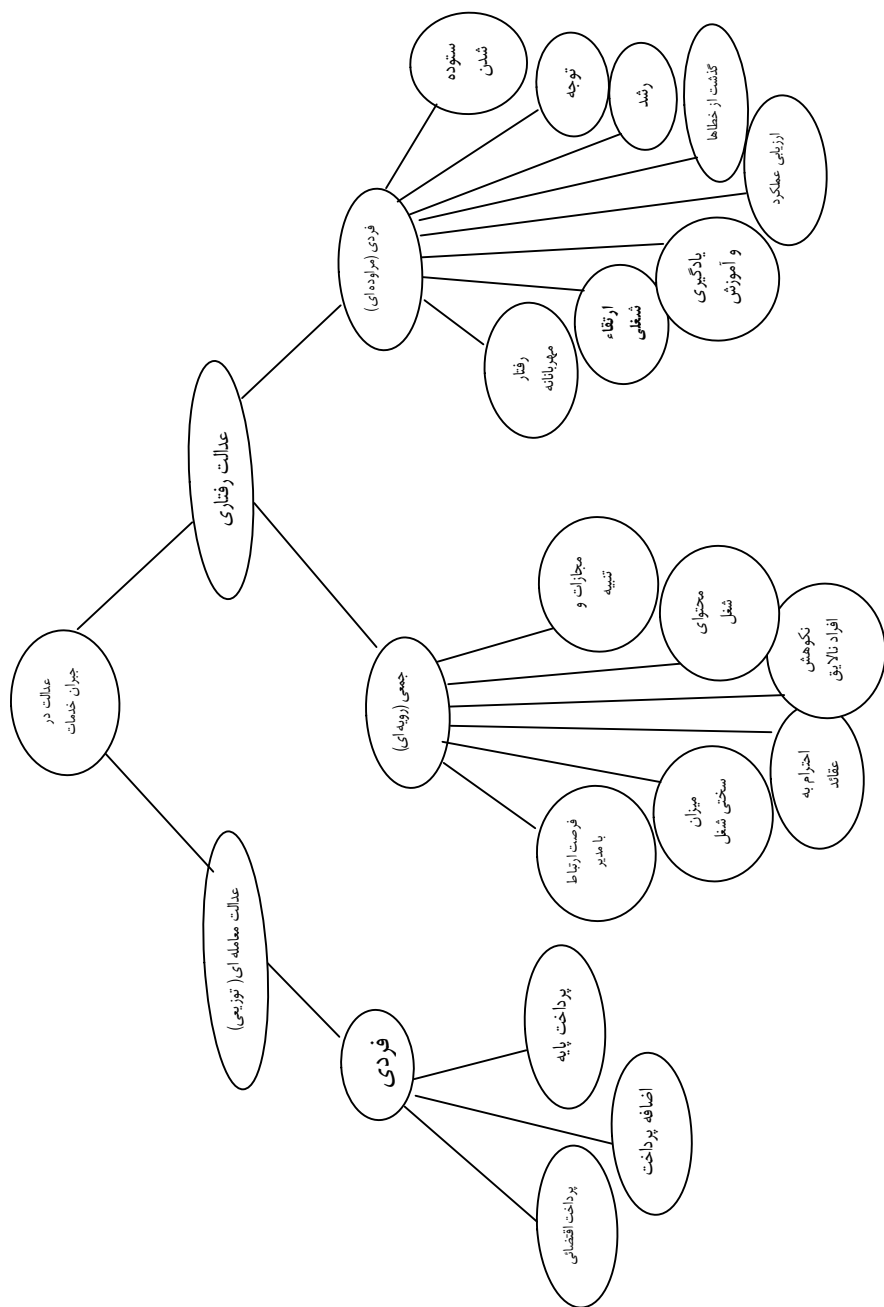
مضمون پایه	فراوانی	کد
اضافه پرداخت برای رفاه زندگی	1	پرداخت اضافه برای اصلاح امور زندگی
اضافه پرداخت بر مبنای عملکرد	4	پاداش بر اساس عملکرد
پرداخت پایه	3	تفاوت بر مبنای عملکرد
پرداخت پایه	4	رفاه خانواده، آرامش روحی
پرداخت پایه	5	جبران خدمت بر اساس کار
یادگیری	2	آموزش
ارتقای شغلی	2	پیشرفت شغلی بر مبنای صلاحیت
رشد	4	به موفقیت رساندن
توجه	6	توجه
احترام به عقاید	3	به رسمیت شناخته شدن نظرات مختلف

جدول 3: مضامین پایه و مضامین سازمان دهنده

مضامین سازمان دهنده	تعداد مضمون	مضامین پایه
عدالت رفتاری جمعی	4	فرصت ارتباط با مدیر
عدالت معامله‌ای فردی	23	اضافه پرداختها
عدالت رفتاری فردی	3	ارتقای شغلی
عدالت رفتاری جمعی	1	محتوای شغل
عدالت معامله‌ای فردی	16	پرداختهای اقتضایی
عدالت رفتاری جمعی	4	احترام به عقاید
عدالت رفتاری فردی	11	توجه
عدالت رفتاری فردی	9	رشد
عدالت رفتاری جمعی	23	نکوهش افراد نالایق
عدالت رفتاری جمعی	6	میزان سختی شغل
عدالت رفتاری جمعی	21	ستوده شدن
عدالت رفتاری فردی	11	رفتار مهربانانه
عدالت معامله‌ای فردی	17	پرداخت پایه
عدالت رفتاری فردی	4	یادگیری و آموزش
عدالت رفتاری فردی	13	ارزیابی عملکرد
عدالت رفتاری فردی	3	گذشت از خطاها
عدالت رفتاری جمعی	27	مجازات و تنبیه

4. ترسیم شبکه مضامین

بعد از مراحل کدگذاری، انتخاب مضامین پایه و سازمان دهنده از طریق شبکه مضامین نوبت به ترسیم جایگاه ارتباطی مضامین نسبت به هم می‌رسد. شبکه مضامین عدالت در جبران خدمات از منظر نهج البلاغه در شکل ذیل ارائه شده است.



هـ) بحث و نتیجه گیری

با بررسی مضامین و عبارات مستخرج از متن نهج البلاغه به مدل شبکه‌ای ارائه شده رسیدیم. جبران خدمات علاوه بر بعد معامله‌ای (توزیعی)، ابعاد رفتاری (مراوده‌ای و رویه‌ای) مهمی، چه در حوزه فردی و چه در حوزه جمعی هم دارد که مورد تأکید امیرالمؤمنین بوده است. همان طور که پیش تر توضیح داده شد، نگاه به جبران خدمت در این پژوهش، نگاهی فراگیر و اعم از مؤلفه‌های مادی و معنوی است (طبق مدل آرمسترانگ). در واقع؛ طبق تعاریف، همه مؤلفه‌هایی که یک کارمند می‌تواند توقع داشته باشد که در مقابل خدمتش به او ارائه شود، بسته کامل جبران خدمات را شکل می‌دهد. با این رویکرد، مؤلفه‌هایی مثل عدالت در ارزیابی، عدالت در ارتقا، عدالت در فرصت ارتباط با مدیر و ...، همگی مؤلفه‌هایی‌اند که در ازای خدمتی که کارمند ارائه می‌دهد، توقع می‌رود با او این گونه رفتار بشود.

از منظر نهج البلاغه، در ازای خدمتی که زیردستان ارائه می‌دهند، مدیر و سازمان موظف است جبران خدمت عادلانه‌ای برای ایشان داشته باشد. عدالت در جبران خدمت در سه حوزه کلی معامله‌ای فردی (پرداختها)، رفتاری فردی و رفتاری جمعی به تفصیل بیان شده و مؤلفه‌های هر کدام برشمرده شده است. در واقع؛ در مدل شبکه‌ای مستخرج از نهج البلاغه، بیان می‌شود که عدالت در جبران خدمت منوط به رعایت عدالت در سه بعد توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای است. البته باید دقت شود که اینگونه نیست که عدالت توزیعی یا مراوده‌ای و رویه‌ای صرفاً در جبران خدمت معنادار باشد؛ بلکه همه ارکان سازمان موظف به رعایت عدالت‌اند، گرچه خدمتی را از افراد مشاهده نکرده باشند؛ یعنی عدالت ذیل جبران خدمات تعریف نمی‌شود، بلکه جبران خدمات هم یکی از موضوعاتی است که در سازمان باید بر مبنای عدالت باشد. در واقع؛ پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ داده است که جلوه عدالت در جبران خدمات چگونه خواهد بود، نه اینکه کل مفهوم عدالت در سازمان را جبران خدمات در بر بگیرد. این نکته، دستاورد پژوهش حاضر و نوع نگاه خاص آن به مقوله جبران خدمت است؛ زیرا در تحقیقات پیشین، نوعاً عدالت توزیعی در سازمان، مترادف با عدالت در جبران خدمت دانسته شده بود؛ اما در این پژوهش، عدالت توزیعی بخشی از عدالت در جبران خدمت شناخته شده است.

پیشنهاد کاربردی

توصیه به نگاه فراگیر نسبت به جبران خدمت و محدود نکردن این مفهوم به توزیع حقوق و دستمزد، مهم‌ترین توصیه و دستاورد این پژوهش است که مؤلفه‌های آن از منظر حضرت علی(ع) استخراج شد. بر این اساس، مهم‌ترین پیشنهاد کاربردی نیز عملیاتی کردن مؤلفه‌های مذکور در جهت جبران خدمت کارمندان و زیردستان است. همچنین، نتایج به دست آمده در این پژوهش باید با نتایج تحقیقاتی از این دست در سایر منابع اسلامی مقایسه و تکمیل و تصحیح شود که خود این موضوع می‌تواند به عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی باشد.

در ضمن بدیهی است که در اجرای این الگو و امثال آن، باید اقتضائات سازمانی به طور دقیق رعایت شود. در این مقاله سعی شد به دقت و وسواس این مؤلفه‌ها از بیانات امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان حاکم و مدیر تراز اول اسلامی استخراج شود؛ باشد که راهگشای مدیران و سازمانها باشد.



منابع

- نهج البلاغه. سید رضی (1379). ترجمه محمد دشتی. قم: مشرقین، ج ششم.
- آرمسترانگ، مایکل. (1390). مدیریت جبران خدمات. (س. ر. سید جوادین، مترجم) تهران: انتشارات ارگ.
- بروکتر، جونل و فیلیس سی گل (1382). «سیر تاریخی نظریه‌ها و تحقیقات درباره عدالت سازمانی». ترجمه محمد ازگلی. مصباح (علوم انسانی)، ش 46: 134-115.
- توسلی، حسین (1386). «رابطه حق و عدالت». پژوهشهای فلسفی کلامی دانشگاه قم، ش 8 (1): 109-91.
- دانایی فرد، حسن و مظفری (1387). «ارتقاء روایی و پایایی در پژوهشهای کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی». پژوهشهای مدیریت منابع انسانی، سال اول، ش 1: 23-1.
- دانایی فرد، حسن؛ سید مهدی الوانی و عادل آذر (1388). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: صفار، ج سوم.
- دشتی، محمد (1379). روشهای برداشت از نهج البلاغه. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1379). ادبای امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه. تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1389). «حقوق و عدالت در نهج البلاغه». پژوهشهای نهج البلاغه، ش 29: 91-67.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1392). دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر. تهران: انتشارات دریا.
- رابینز، استیفن. پی. و تیموتی، ای. جاج. (1389). مبانی رفتار سازمانی. (سید. محمد. اعرابی، & سید. محمد. تقی زاده مطلق، مترجم) تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- رضائیان، علی و لیلا میرزاده (1389). «تأثیر برداشت کارکنان از عدالت سازمانی بر رفتارهای شهروندی سازمانی آنان». اخلاق در علوم و فناوری، ش 5 (2): 102-94.
- سیدجوادین، سید رضا (1387). مبانی مدیریت منابع انسانی. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- سیدجوادین، سید رضا؛ محمدمهدی فراخی و غزاله طاهری عطار (1387). «شناخت نحوه تأثیرگذاری ابعاد عدالت سازمانی بر جنبه‌های گوناگون رضایت شغلی و سازمانی». مدیریت بازرگانی، ش 1 (1): 70-55.
- سیدعلیپور، سید خلیل (1383). «نقش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی». مدیریت، ش 1: 106-94.
- شعبانی، احمد؛ و محمدمهدی نجفی علمی (1392). «تکاهی تحلیلی - تطبیقی به نظامهای دستمزد با تأکید بر الگوی اسلامی دستمزد در سطح کلان». مطالعات اقتصاد اسلامی، ش 10: 64-36.
- علامه، سید محسن و حمیدرضا بوستانی (1393). «بررسی رابطه عدالت سازمانی ادراک شده مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه با رفتار شهروندی سازمانی». مدیریت اسلامی، ش 8: 206-185.
- قلیچ، وهاب (1389). «معیارهای عدالت توزیعی؛ مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های جان راولز و شهید مطهری». مطالعات اقتصاد اسلامی، ش 1 (3): 163-145.
- قوامی، سید. صمصام الدین، و. و قریب، غلامرضا. (1392). بررسی نظام جبران خدمات در اسلام. اسلام و پژوهشهای مدیریتی، 7 (1)، 77-90.

- نقی پورفر، ولی الله. و جعفر پور، محمود. (1389). مطالعه ی تطبیقی شاخص های تأثیر گذار بر تحقق عدالت مرآوده ای در سازمان مقایسه ی دو دیدگاه مدیریت اسلامی و مدیریت غربی. مدیریت اسلامی. ش 81: 37-86
- Nahj al-Balagheh. Seyyed Razi (1379). Translator: Mohammad Dashti. Qom: The Mashreqin Publication, Sixth Edition.
 - Adams, J. & Stacey (1965). “Inequity in Social Exchange”. *Advances in Experimental Social Psychology*, 2: 261-299.
 - Armstrong, M. (2010). **Hand Book of Reward mManagement**. London: Koganpage.
 - Armstrong, M. & M. Helen (2007). **Reward Management, Hand Book fo Remuneration Strategy and Practice**. London: Koganpage.
 - Aryee, S. (2004). “Exchange Fairness and Employee Performance: An Examination of the Relationship between Organizational Politics and Procedural Justice”. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 94 (1): 1-14.
 - Braun, V. & V. Clarke (2006). **Using Thematic Analysis in Psychology (Vol. 2)**. Qualitative Research in Psychology.
 - Chan, M. (2000). “Organizational Justice and Land Mark Cases”. *International Journal of Analysis*, 8(1): 68-88.
 - Cropanzano, R.; D. Brown & S. Gilliland (2007). “The Management of Organizational Justice”. *Academy of Management Perspectives*, 21(4): 34-48.
 - Folger, R. & R. Cropanzano (1998). **Organizational Justice and Human Resource Management**. Sage Publication.
 - Heneman, R.L.; D.B. Greenberger & J.A. Fox (2002). “Pay Increase Satisfaction”. *Human Resource Management Review*, 12: 63-74.
 - King, N. & C. Horrocks (2010). **Interviews in Qualitative Research**. London: Sage.
 - Lambert, E. (2003). “The Impact of Organizational Justice on Correctional Staff”. *Journal of Criminal Justice*, 31(2): 4-5.
 - Manne, H. (2009). **Entrepreneurship, Compensation and Corporation**. Second Annual Research Symposium in Economics and Law of the Entrepreneur.
 - Milcovich, G. & J. Newman (2008). **Compensation**. Irwin Professional Pub.
 - Nowakowski, J.M. & D.E. Colon (2005). “Organizational Justice: Looking Back Looking Forward”. *The International Journal of Conflict Management*, 1.
 - Parker, D. & J. Kohlmeyer (2005). “Organizational Justice and Turnover in Public Accounting Firms: A Research Note”. *Organization and Society*, 30: 357-367.
 - Sinkovics, R.R. (2008). “Enhancing the Trustworthiness of Qualitative Research in International Business”. *MIR*, 48(6): 689-714.
 - Twining, J. (2000). **A Naturalistic Journey into the Collaboratory: In Search of Understanding for Prospective Participants**. Denton: Texas Woman’s University.
 - Allameh, Seyyed Mohsen & Hamid Reza Boustany (2014). “The Study of the Relationship between Perceived Organizational Justice Based on Nahj Balbaragh's Teachings and Organizational Citizenship Behavior”. *Islamic Management*, 8: 185-206.
 - Bruckner, Joel & Phyllis Siegel (2003). “Historical History of Theories and Researches on Organizational Justice”. Translator Mohammad Ozgoli. *Mesbah (Humanities)*, 46: 115-134.

- Danaeefard, Hasan; Seyyed Mahdi Alvani & Adel Azar (2009). **Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach**. Third Edition. Tehran: Saffar.
- Danaeefard, Hasan & Mozaffari (2008). **“Improvement of Validity and Reliability in Qualitative Management Researches: Reflection on Research Audit Strategies”**. *Quarterly Journal of Human Resource Management Research*, 1 (1): 1-23.
- Dashti, Mohammad (2000). **Methods of Extraction Point from Nahj al-Balagheh**. Qom: Amir Al-Momenin Research Institute.
- Delshad Tehrani, Mustafa (2013). **Government Implication: the Rules of Government and Administration in the Malik Ashtar Treaty**. Tehran: Darya Publishing.
- Delshad Tehrani, Mustafa (2000). **Master of Safekeeping: Administrative Ethics in Nahj al-Balagheh**. Tehran: Darya Publishing.
- Delshad Tehrani, Mustafa (2010). **“Rights and Justice in Nahj al-Balagheh”**. *Researchs of Nahj al-Balagheh*, 29: 67-91.
- Qelich, Wahhab (2010). **“Criteria of Distributed Justice: Comparative Comparison of John Rawls and Martyr Motahhari's Views”**. *Quarterly Journal of Islamic Studies*, 1(3): 145-163.
- Rezaeian, Ali. & Leila Mirzadeh (2010). **“The Effect of Employees' Perception of Organizational Justice on Their Citizenship Organizational Behaviors”**. *Journal of Ethics in Sciences and Technology*, 5 (2): 94-102.
- Seyyed Alipour, Seyyed Khalil (2004). **“The Role of Encouragement and Punishment in Islamic Management”**. *Quarterly Journal of Management*, 1: 94-106.
- Seyed Javadin, Seyed Reza (2008). **Fundamentals of Human Resources Management**. Faculty of Management of University of Tehran Publication.
- Seyed Javadin, Seyed Reza; Mohammad Mehdi Farahi & Ghazaleh Taheri Attar (2008). **“Understanding the Manner of Effect of Organizational Justice Dimensions on Various Aspects of Job Satisfaction and Organizational”**. *Business Management*, 1 (1): 55-70.
- Sha'bani, Ahmad & Mohammad Mehdi Najafi Alami (2013). **“An Analytical-Comparative Look at Wage Systems with an Emphasis on the Islamic Model of Wages at a Macro Level”**. *Half Year Journal of Islamic Economy Studies*, 10: 36-64.
- Tavassoli, Hosein (2007). **“The Relationship of the Right and Justice”**. *Quarterly Journal of Philosophical Theological Studies, University of Qom*, 8 (1): 91-109.
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*. Virginia: Sage Braun.
- Nazir, T., Shah, S. F & Zaman, K. (2014). **Review of Literature on Expatriate Compensation and its Implication for Offshore Workforce**. *Iranian Journal of Management Studies (IJMS)*, 7, 203-221.(2)
- Robbins, S. P. (2002). *Essentials of organizational behavior seventh edition*. New jersey: Prentice Hall.
- M Forret, M Sue Love, (2008). *Employee justice perceptions and coworker relationships*. *Leadership & Organization Development Journal* 29 (3): 248-260
- Armstrong, M. (1390). **Reward Management** (translaror: Seyyed Javadin, Seyed Reza). Tehran : Arg publication

- stephen p robbins timothy a judge. (1389). **Organizational Behavior** (translator: arabi sm & taghizadeh motlagh sm). Tehran. The Office of cultural research.
- Ghavami ss & gharib gh. (1392). **Study of compensation system in islam**. Islam & managerial research, 7 (1), 77-90
- Naghi poorfar v & Jafarpoor, M (1389). **Comparative Study of Indicators Affecting the Realization of Interational Justice in the Organization Comparing the Two Views of Islamic Management and Western Management**. Islamic management. 81: 37-86

